

Research Paper

The Role of Parenting Styles, Parental Stress and Executive Functions
Deficits in Predicting the Children's Internalizing and Externalizing Problems

Seyyede Faezeh Khoshkardar^{*1}, Majid Baradaran², Farzaneh Ranjbar Noushari²

1. M.A. in General Psychology, Payame Noor University, Astaneh Ashrafiyeh, Iran

2. Assistant Professor, Department of Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran



Citation: Khoshkardar SF, Baradaran M, Ranjbar Noushari F. The role of parenting styles, parental stress and executive functions deficits in predicting the children's internalizing and externalizing problems. Quarterly Journal of Child Mental Health. 2020; 7(2): 156-168.

<http://dx.doi.org/10.29252/jcmh.7.2.14>

ARTICLE INFO

ABSTRACT

Keywords:

Parenting styles,
parental stress,
executive functions,
internalizing and
externalizing problems

Background and Purpose: The problems of childhood can be generally divided into two large, but overlapping groups of internalizing and externalizing problems. Internalizing and externalizing behavioral problems can negatively affect the different functions of children and adolescents. Present study aimed to investigate the role of parenting styles, parental stress and children's executive functions deficits in predicting the children's internalizing and externalizing problems.

Method: The present research was a descriptive correlational study. The study population included all the male primary school students in district 2 of Rasht city in the academic year of 2018-2019 and their parents. From this population, a sample of 375 students was selected by multistage cluster sampling. They completed Parenting Stress Index (Abidin, 1990), Parenting Questionnaire (Frick, 1991), Barkley Deficits in Executive Functioning Scale (Barkley, 2011), and Child Behavior Checklist (Achenbach & Rescorla, 2001). Data were analyzed by Pearson correlation coefficient and step-wise regression method.

Results: Findings showed that there was a significant negative correlation between positive parenting, father involvement and awareness and children's internalizing and externalizing problems. It was also found that corporal punishment, poor monitoring and authority had a significant positive correlation with children's internalizing and externalizing problems. Also, results showed that parental stress and children's executive functions deficits (and its components) had a significant positive correlation with children's internalizing and externalizing problems ($P > 0.01$). Results of regression indicated that executive functions, father involvement, corporal punishment, authority, awareness, positive parenting, and poor monitoring were predictors of internalizing problems, whereas father involvement, executive functions, positive parenting, stress, corporal punishment, emotional self-regulation, awareness, authority, and poor monitoring were predictors of children's externalizing problems ($P > 0.01$).

Conclusion: Based on the findings of this study, it can be concluded that positive parenting, father involvement and awareness are negative predictors of children's internalizing and externalizing problems, whereas corporal punishment, poor monitoring, authority, parental stress, and children's executive functions deficits are positive predictors of children's internalizing and externalizing problems. Findings of the present study can help to the development and implementation of effective preventive and therapeutic interventions for behavioral disorders in children.

Received: 21 Jan 2019

Accepted: 28 May 2019

Available: 21 Sep 2020

* **Corresponding author:** Seyyede Faezeh Khoshkardar, M.A. in General Psychology, Payame Noor University, Astaneh Ashrafiyeh, Iran.
E-mail addresses: Faezekhoshkardar@gmail.com

2476-5740/ © 2019 The Authors. This is an open access article under the CC BY-NC-ND license
(<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/3.0/>).

مقاله پژوهشی

نقش سبک‌های والدگری، تنیدگی والدین، و نارسایی در کنش‌های اجرایی
در پیش‌بینی مشکلات درون‌نمود و برون‌نمود کودکانسیده فائزه خوشکردار^{۱*}، مجید برادران^۲، فرزانه رنجبر نوشی^۲

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه پیام نور، آستانه اشرفیه، ایران

۲. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

مشخصات مقاله

کلیدواژه‌ها:

سبک‌های والدگری،

تنیدگی والدین،

کنش اجرایی،

مشکلات درون‌نمود و برون‌نمود

زمینه و هدف: مشکلات دوران کودکی را می‌توان به طور کلی به دو گروه بزرگ ولی همپوش درون‌نمود و برون‌نمود تقسیم کرد. مشکلات رفتاری درون‌نمود و برون‌نمود در سنین کودکی و نوجوانی بر کارکرد افراد در زمینه‌های مختلف، تأثیر منفی بسیاری به جا می‌گذارند. پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش سبک‌های والدگری، تنیدگی والدین، و نارسایی در کنش‌های اجرایی کودکان در پیش‌بینی مشکلات رفتاری درون‌نمود و برون‌نمود کودکان انجام شده است.

روش: پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان پسر مقطع ابتدایی ناحیه ۲ شهر رشت و والدین آنها در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بودند. از این جامعه، ۳۷۵ دانش‌آموز به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند که به پرسشنامه‌های شاخص تنیدگی والدین (آبیدین، ۱۹۹۰)، پرسشنامه والدگری (فریک، ۱۹۹۱)، مقیاس نارساکنش‌وری اجرایی (بارکلی، ۲۰۱۱)، و چک‌لیست رفتار کودک (آخنباخ و رسکولار، ۲۰۰۱) پاسخ دادند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و روش رگرسیون گام به گام استفاده شد.

یافته‌ها: بر اساس نتایج به دست آمده بین والدگری مثبت، مشارکت پدر، و اطلاع با مشکلات درون‌نمود و برون‌نمود کودکان همبستگی منفی معنادار؛ و بین تنبیه بدنی، نظارت ضعیف، و اقتدار با مشکلات درون‌نمود و برون‌نمود کودکان، همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. همچنین مشخص شد که بین دو متغیر تنیدگی والدین و نارسایی در کنش‌های اجرایی کودکان (و مؤلفه‌های آن) با مشکلات درون‌نمود و برون‌نمود کودکان، همبستگی مثبت معنادار وجود دارد ($P > 0/01$). نتایج رگرسیون نیز نشان داد که کنش اجرایی، مشارکت پدر، تنبیه بدنی، اقتدار، اطلاع، والدگری مثبت، و نظارت ضعیف، قادر به پیش‌بینی مشکلات درون‌نمود؛ و همچنین مشارکت پدر، کنش اجرایی، والدگری مثبت، تنیدگی، تنبیه بدنی، خودنظم‌جویی هیجانی، اطلاع، اقتدار، و نظارت ضعیف، قادر به پیش‌بینی مشکلات برون‌نمود کودکان هستند ($P > 0/01$).

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت والدگری مثبت، مشارکت پدر و اطلاع، پیش‌بینی‌کننده‌های منفی؛ و تنبیه بدنی، نظارت ضعیف، اقتدار، تنیدگی والدین، و نارسایی در کنش اجرایی، پیش‌بینی‌کننده‌های مثبت مشکلات درون‌نمود و برون‌نمود کودکان هستند. یافته‌های مطالعه حاضر می‌تواند در تدوین و اجرای مداخله پیشگیرانه و درمانی مؤثر در زمینه اختلالات رفتاری کودکان، کمک قابل توجهی کند.

دریافت شده: ۹۷/۱۱/۰۱

پذیرفته شده: ۹۸/۰۳/۰۷

منتشر شده: ۹۹/۰۶/۳۱

* نویسنده مسئول: سیده فائزه خوشکردار، کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه پیام نور، آستانه اشرفیه، ایران.

رایانامه: Faezekhoshkarder@gmail.com

تلفن: ۰۱۳-۴۲۱۳۹۰۴۳

مقدمه

کودکان به عنوان یکی از گروه‌های سنی آسیب‌پذیر در معرض انواع مشکلات روان‌شناختی قرار دارند. آسیب‌پذیری در این سنین تحت تأثیر فرایند فعال تحول و مقتضیات خاص مراحل آن از یک سو، و مهار شرایط محیطی و موقعیتی کودک توسط بزرگسالان از سویی دیگر قرار دارد (۱). برخی از پژوهشگران مشکلات رفتاری را به دو دسته بزرگ مشکلات رفتاری درون‌نمود^۱ و برون‌نمود^۲ تقسیم کرده‌اند. مشکلات درون‌نمود شامل اختلال‌هایی است که نشانه‌های بیماری بیشتر بر خود فرد- و نه بر اطرافیان- تأثیر دارند؛ بنابراین، به خاطر این ماهیت پنهان، غالباً مدت‌ها نادیده گرفته می‌شوند؛ مانند افسردگی، اضطراب، و شکایات جسمانی. مشکلات برون‌نمود، الگوهای رفتاری سازش‌نا یافته‌ای هستند که به سمت بیرون از کودک جهت دارند و بیشتر، اطرافیان کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همچنین، دربرگیرنده دو گروه رفتارهای قانون‌شکنانه و پرخاش‌گرانه، و شامل اختلال‌هایی از جمله نارسایی توجه/فزون‌کنشی، اختلال رفتار هنجاری^۳، و اختلال نافرمانی مقابله‌ای است (۲).

طبق بررسی‌های انجام شده حداقل ۱۰ تا ۲۰ درصد کودکان و نوجوانان که در سنین مدرسه هستند، گرفتار مشکلات قابل توجه و مداوم هیجانی یا رفتاری هستند (۳). میزان شیوع اختلالات هیجانی رفتاری در پژوهش غباری بناب، پرند، حسین خانزاده، موللی و نعمتی بر روی ۱۴۰۷ دانش‌آموز مقطع دبستان، ۲۰ درصد (۴) و در پژوهش خدام، مدانلو، ضیایی و کشتکار بر روی ۲۶۰۰ کودک دبستانی شهر گرگان، ۲۱ درصد برآورد شده است (۵).

درباره سبب‌شناسی اختلال‌های دوران کودکی، مدل‌های مختلفی مطرح شده است که بیشتر آنها به خود فرد می‌پردازند؛ این در حالی است که مدل‌های سیستمی که اثر سیستم اجتماعی اولیه بر کودک و اختلالات روان‌شناختی بعدی او را مطرح کرده‌اند، ادعا می‌کنند که کانون آسیب، خود فرد نیست، بلکه در ارتباط‌های درونی اعضای خانواده است. در واقع، این مدل‌ها کانون اختلال را در نظام خانواده

پیگیری می‌کنند و بر این باور هستند که فرد دچار اختلال نیست، بلکه الگوهای تعامل درون نظام اجتماعی مشکل دارد. از آنجا که خانواده شبکه اصلی ارتباط اجتماعی کودکان را تشکیل می‌دهد، پس در واقع الگوی تعامل درون خانواده ناکارآمد است و اغلب همان الگوی تعاملی است که در خانواده‌درمانی، هدف تغییر قرار می‌گیرد (۶).

یکی از متغیرهای مهم که به نظر می‌رسد نقش مهمی در تبیین مشکلات درون‌نمود و برون‌نمود کودکان دارد، سبک‌های والد‌گری^۴ است. از نظر بلیست (به نقل از ۷) والد‌گری عمدتاً به چهار گونه که بر طبق ابعاد صمیمیت یا مسئولیت و خواستنی بودن یا میزان مهارگری که والدین نشان می‌دهند، متفاوت هستند. سبک والد‌گری مستبدانه^۵ به صورت صمیمیت و مسئولیت کم و انتظارات و مهارگری زیاد مشخص می‌شود. سبک والد‌گری مقتدرانه^۶ به صورت صمیمیت، مسئولیت و خواستنی بودن زیاد؛ و سبک والد‌گری آسان‌گیر^۷ به صورت صمیمیت زیاد و خواستنی بودن کم، تعریف می‌شود. همچنین سبک والد‌گری بی‌توجه^۸، صمیمیت و خواستنی بودن کم را شامل می‌شود. ارتباط بین سبک‌های والد‌گری و مشکلات رفتاری کودکان و نوجوانان، در پژوهش‌های متعدد، معنادار گزارش شده و هر اندازه مقدار حمایت و پاسخ‌دهی والدین در شیوه والد‌گری بیشتر باشد، میزان مشکلات رفتاری فرزندان هم کمتر خواهد بود (۸). زمانی که والدین مهارگری بیشتری نسبت به موقعیت داشته باشند می‌توانند مدیریت مؤثرتری در ایفای نقش والد‌گری خویش داشته باشند و بدون اینکه مجبور باشند در مورد مقررات خود با فرزندان‌شان مجادله کنند، محدودیت‌های مؤثری می‌توانند برای آنها وضع کنند (۹). بر اساس یافته‌های فراتحلیل گودمن و همکاران، تعامل والد-کودکی که همراه با خصومت متقابل، بدبینی، و مهارگری بیش از حد و خشونت باشد، یک عامل پیش‌بینی‌کننده است و در بسیاری از آسیب‌های دوران کودکی دخالت دارد (۱۰). این کیفیت تعامل والد-فرزند همچنین در چگونگی بررسی و تفسیر کودک از جهان اطراف خود تأثیرگذار است (۱۱).

1. Internalizing
2. Externalizing
3. Conduct disorder
4. Parenting styles

5. Authoritarian
6. Authoritative
7. Permissive
8. Neglectful

پوپو و ایلسانمی (به نقل از ۱۲) نشان دادند که تعامل منفی والد-فرزند که منجر به کاهش نظارت بر فرزند، نظم و انضباط تنبیهی بیشتر، و مشارکت کمتر در فعالیت‌های فرزند می‌شود، باعث افزایش رفتارهای ضداجتماعی فرزندان خواهد شد. کراوفورد و همکاران (۲) در مدلی که به منظور تبیین اختلال‌های درون‌نمود کودکان طراحی کرده بودند، دریافتند در رابطه غیرمستقیم بین تنظیم هیجانی و اختلال‌های درون‌نمود کودک، عاطفه منفی مادر، نقش واسطه‌ای دارد. یکی از ویژگی‌های افراد با سطح نوزدگرایی بالا، تردید در تصمیم‌گیری و اعتماد به خود پایین است که بر کارایی روش‌های والدگری اثر می‌گذارند. رنکین ویلیامز و همکاران (۱۳) در پژوهش خود درباره تأثیر مهارگری رفتاری و سبک والدگری بر مشکلات درون‌نمود و برون‌نمود از دوران کودکی تا نوجوانی دریافتند که سبک والدگری می‌تواند به روابط بین مهارگری رفتاری و مشکلات رفتاری کودکان کمک کند.

اگرچه تولد یک نوزاد از لذت‌بخش‌ترین اتفاقات زندگی هر پدر و مادری است، اما والد بودن مسئولیت‌های جدید و نقشی متفاوت را برای فرد به ارمغان می‌آورد. این مسئولیت‌های جدید به خودی خود برای والدین، تشنگر است و گاهی ممکن است والدین در ایفای نقش والدگری خویش، احساس ناکارآمدی کنند. در چنین مواقعی والدین احساس می‌کنند که قادر به مهار شرایط نیستند و این احساس عدم مهارگری، تنیدگی بیشتری برای آنها به همراه می‌آورد (۱۴).

تنیدگی والدین حاصل ناهمخوانی ادارک‌شده بین درخواست‌ها و تقاضاهای والدینی و منابع فردی است؛ این تنیدگی می‌تواند در حیطه‌های مختلف زندگی مربوط به والدگری تجربه شود (۱۵). سطوح بالای تنیدگی والدین باعث می‌شود که آنها گرایش بیشتری به استفاده از شیوه‌های انعطاف‌ناپذیر و پرخاشگرانه والدگری داشته باشند (۱۶) و این تنیدگی، اثرات بلندمدت بر سلامت کودکان دارد (۱۷). مطالعاتی که درباره کودکان پیش‌دبستانی انجام شده، نشان داده‌اند در خانواده‌هایی که کودکان دچار مشکلات رفتاری هستند، تنیدگی والدین بالاتر، حمایت همسران کمتر، و منفی‌گرایی مادران بالاتر است (۱۸). مطالعات

خالق و رونر (۱۹) حاکی از آن است کودکانی که والدین‌شان پذیرای آنها هستند، مشکلات رفتاری و ناامنی کمتری را بروز می‌دهند و برعکس، کودکانی که والدین‌شان آنها را طرد می‌کنند، مورد انتقاد، تهدید، تهاجم و رفتارهای خصمانه قرار می‌گیرند و مشکلات رفتاری بیشتری را از خود بروز می‌دهند. یافته‌های پژوهش پاتنیک و همکاران (۲۰) نشان داد کودکانی که در خانواده‌های پرتنش و از لحاظ هیجانی بی‌ثبات زندگی می‌کنند، توانمندی کمتری در حفظ آرامش خود دارند و نمی‌توانند به موقع از نشانه‌های اضطراب و افسردگی رهایی یابند و هیجانات خود را تنظیم و مدیریت کنند.

طی سال‌های اخیر مشخص شده است که مغز برای کار کردن مؤثر، نیازمند نوعی سیستم اجرایی است که سایر نظام‌ها، توانایی‌ها و فرایندها را مهار کند (۲۱). کنش اجرایی^۱، اصطلاح نسبتاً مبهمی است که به مجموعه متنوعی از توانایی‌های شناختی وابسته به هم اطلاق می‌شود که به طور استعاری تحت نام اجرایی گرد آمده است (۲۲). کنش‌های اجرایی، فرایندهای شناختی سطح بالایی هستند که مسئول هماهنگی، انسجام و سازماندهی سایر فرایندهای شناختی مغز هستند. این کنش‌ها شامل بازداری^۲ (توانایی مداخله در رفتار خودمان)، جهت‌گیری^۳ (توانایی تغییر شیوه حل مسئله یا تغییر واکنش)، انعطاف‌پذیری^۴ (توانایی تولید حل مسئله به شیوه‌های گوناگون)، برنامه‌ریزی^۵ (توانایی برنامه ریزی مراحل جهت حل مسئله) و حافظه کاری^۶ (توانایی در نظر گرفتن اطلاعات حین انجام یک تکلیف) هستند (۲۳). در نظریه بارکلی، کنش‌های اجرایی خودنظم‌ده هستند و بازداری رفتاری، ضروری‌ترین مؤلفه برای کارکرد این کنش‌ها محسوب می‌شود (۲۴). پژوهش‌ها حاکی از آن است افرادی که نارساکنش‌وری اجرایی دارند، ناستواری هیجانی بالاتری دارند (۲۵). بر اساس نتایج پژوهش زیراس و جانسن (۲۶) نیز نارسایی در کنش‌های اجرایی تا حد زیادی، پیش‌بینی‌کننده عملکرد تحصیلی و رفتاری دانش‌آموزان است.

بر اساس مطالب مطرح شده فوق و اهمیت متغیر فردی نارسایی در کنش‌های اجرایی و با توجه به کمبود پژوهش در این زمینه، همچنین با توجه به اهمیت نقش تعامل والد-کودک به عنوان یک عامل

4. Flexibility
5. Planning
6. Working memory

1. Executive function
2. Inhibition
3. Orientation

محیطی که تأثیر زیادی در ایجاد و تداوم مشکلات هیجانی- رفتاری کودکان دارد و اینکه هیچ پژوهشی مشاهده نشد که در آن به طور همزمان به نقش متغیرهای فردی و خانوادگی براختلال‌های برون‌نمود و درون‌نمود کودکان پرداخته باشد، در نتیجه این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال مهم است که سبک‌های والدگری، تنیدگی والدین، و کنش‌های اجرایی کودکان، چه نقشی در مشکلات درون‌نمود و برون‌نمود کودکان دارند.

روش

الف) طرح پژوهش و شرکت‌کنندگان: نوع مطالعه حاضر، همبستگی است که در آن متغیرهای سبک‌های والدگری، تنیدگی والدین، و کنش‌های اجرایی به عنوان متغیرهای پیش‌بین؛ و متغیر مشکلات درون‌نمود و برون‌نمود به عنوان متغیر وابسته هستند. جامعه آماری مورد مطالعه ۶۱۰۰ نفر از دانش‌آموزان پسر مقطع ابتدایی ناحیه ۲ رشت در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ بود. با استفاده از جدول مورگان ۳۷۵ نفر از دانش‌آموزان از این جامعه آماری به عنوان نمونه تعیین شدند که والدین آنها هم با توجه به موضوع مطالعه در پژوهش حاضر مشارکت داشتند. روش نمونه‌گیری برای انتخاب نمونه، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود؛ به این صورت که ابتدا از بین مناطق چندگانه رشت، ناحیه ۲ به تصادف، انتخاب شد؛ سپس از مدارس ناحیه ۲، چهار مدرسه و از این چهار مدرسه، هر کدام سه کلاس به عنوان گروه نمونه، انتخاب شدند. برای انتخاب افراد نمونه، شرایطی مانند رضایت دانش‌آموز و والدین، تحصیل در مقطع ابتدایی، جنسیت پسر، برخورداری از هوش متوسط یا بهنجار، و تکمیل کامل پرسشنامه‌ها در نظر گرفته شد و افرادی که ابزارهای مورد مطالعه را مخدوش یا ناقص پاسخ دادند از نمونه مورد مطالعه حذف شدند. رای جمع‌آوری اطلاعات از ابزارهای زیر استفاده شد.

ب) ابزار

۱. پرسشنامه والدگری آلاباما^۱ (فرم کودکان) توسط فریک در سال ۱۹۹۱ ساخته شده است که شامل ۴۵ گویه و ۶ خرده‌مقیاس والدگری مثبت (۱۷ سوال)، تنبیه بدنی (۱۰ سوال)، مشارکت پدر (۷ سوال)، اطلاع

(۳ سوال)، اقتدار (۴ سوال) و نظارت ضعیف (۴ سوال) است که با هدف ارزیابی سبک‌های والدگری والدین استفاده می‌شود. نمره‌گذاری پرسشنامه به روش طیف لیکرت ۵ درجه‌ای است که برای گزینه‌های «هرگز»، «به ندرت»، «بعضی مواقع»، «اغلب» و «همیشه» به ترتیب امتیازات ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ در نظر گرفته می‌شود (۲۷). نتایج مطالعه دادز، ماجین و فراسر (۲۷) نشان داد ضرایب آلفای کرونباخ در زیرمقیاس‌ها بین ۰/۶۱ تا ۰/۷۹ و ضرایب همسانی درونی بین ۰/۵۸ تا ۰/۸۴ در نوسان است. در پژوهش سامانی (۲۸) مقدار ضریب آلفای کرونباخ و ضریب بازآزمایی با فاصله‌ی دو هفته برای نمره کل پرسشنامه برابر با ۰/۸۲ و مقدار ضریب بازآزمایی برای نمره کل برابر با ۰/۸۸ گزارش شد. این پژوهشگر برای بررسی روایی نیز از تحلیل عاملی استفاده کرد و بار عاملی شش زیرمقیاس مذکور بین ۰/۴۰ تا ۰/۷۸ به دست آمد.

۲. شاخص تنیدگی والدین^۲: شاخص تنیدگی والدین توسط آبی‌دین در سال ۱۹۹۰ ساخته شده است که ۱۰۱ گویه دارد. زیرمقیاس‌های مرتبط با هر حیطه شامل قلمرو کودک: سازش‌پذیری، پذیرندگی، فزون‌طلبی، خلق، بی‌توجهی فزون‌کنشی، تقویت‌گری؛ و قلمرو والدین: افسردگی، دلبستگی، محدودیت‌های نقش، حسن‌صلاحت، انزوای اجتماعی، روابط با همسر، سلامت والد و تنیدگی زندگی (مقیاس اختیاری) است. نحوه نمره‌گذاری هم به شیوه لیکرت بر اساس پاسخ‌های ۱ تا ۵ (از موافقم تا کاملاً مخالفم) انجام می‌شود (۲۹). در پژوهش دادستان، احمدی ازغندی و حسن‌آبادی (۲۹) ضریب همسانی درونی ابزار برای کل مقیاس ۰/۸۸ و ضریب بازآزمایی با فاصله زمانی ۱۰ روز، ۰/۹۴ به دست آمد و روایی محتوایی و صوری آن را تأیید کردند. همچنین ضریب آلفای کرونباخ بین ۰/۶۹ تا ۰/۸۲ گزارش شد.

۳. مقیاس نارسایی‌ها در کنش‌های اجرایی^۳: این مقیاس حاوی اطلاعات بالینی برای ارزیابی نارسایی در کنش‌های اجرایی در فعالیت‌های زندگی روزانه افراد ۶ تا ۱۸ ساله است که به وسیله والدین آنها گزارش می‌شود و توسط بارکلی در سال ۲۰۱۱ ساخته شده است. این ابزار دارای ۷۰ گویه است و خرده‌مقیاس‌های آزمون عبارت‌اند از: مدیریت زمان (گویه‌های ۱ تا ۱۳)، سازمان‌دهی خود/ حل مسئله (گویه‌های ۱۴ تا ۲۷)،

مهار خود (گویه‌های ۲۸ تا ۴۰)، خودانگیزشی (گویه‌های ۴۱ تا ۵۴)، و خودنظم‌جویی هیجانی (گویه‌های ۵۵ تا ۷۰). ضرایب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌ها ۰/۷۴ تا ۰/۸۸ و اعتبار بازآزمایی بین ۰/۶۱ تا ۰/۸۴ گزارش شد. همچنین ضرایب اعتبار کل مقیاس برای زیرمقیاس‌ها بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۵ گزارش شده است. (۳۰). نتایج تحلیل عاملی تأییدی در مطالعه مشهودی، میردورقی، حسین زاده ملکی، حسنی و حمزه لو نیز نشان داده شد که ضرایب همسانی درونی مقیاس بین ۰/۶۶ تا ۰/۸۴ است و بنابراین روایی مقیاس مطلوب است. همچنین ضریب اعتبار پرسشنامه با آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌ها بین ۰/۸۰ تا ۰/۹۲ به دست آمد که رضایت‌بخش و مطلوب است (۳۱).

۴. چک‌لیست رفتار کودک! این چک‌لیست توسط آخنباخ و رسکولار در سال ۲۰۰۱ برای کودکان و نوجوانان ۲ تا ۱۸ سال تدوین شده است. تعداد گویه‌های این فرم ۱۱۳ عبارت است و پاسخ‌دهنده بر اساس وضعیت کودک در ۶ ماه گذشته هر گویه را در یک مقیاس ۳ درجه‌ای پاسخ می‌دهد. این چک‌لیست مشکلات هیجانی رفتاری را اندازه می‌گیرد که شامل اضطراب، افسردگی، شکایات جسمانی، مشکلات اجتماعی، مشکلات تفکر، مشکلات توجه، رفتار قانون‌شکنانه، و رفتار پرخاشگرانه است (۳۲). نتایج مطالعه ناکامورا، ابسوتانی، برنشتاین و چریتا (۳۳) حاکی از این بود که ضرایب بازآزمایی آزمون بین ۰/۵۷ تا ۰/۸۱ و ضرایب همسانی درونی بین ۰/۶۷ تا ۰/۷۳ است. در پژوهش مینایی دامنه ضرایب همسانی درونی مقیاس‌ها از ۰/۶۳ تا ۰/۹۵ و دامنه ضرایب ثبات زمانی از ۰/۳۲ تا ۰/۶۷ به دست آمده است. همچنین نتایج به دست آمده از بررسی روایی محتوایی، ۰/۷۳ گزارش شد که مطلوب است (۳۴).

ج) روش اجرا: بعد از کسب مجوزهای لازم از اداره آموزش و پرورش استان گیلان، ۳۹۰ نفر از دانش‌آموزان پسر مدارس مقطع ابتدایی ناحیه ۲ رشت به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به عنوان نمونه تعیین شدند و ابزارهای مطالعه روی دانش‌آموزان و والدین آنها اجرا شد. در این راستا دانش‌آموزان، پرسشنامه والد‌گری، و والدین آنها پرسشنامه تنیدگی، مقیاس نارسایی‌ها در کنش‌های اجرایی، و چک‌لیست رفتار کودک را تکمیل کردند. پس از اتمام این مرحله، ۱۵ پرسشنامه به دلیل اینکه ناقص تکمیل شده بودند، کنار گذاشته شدند و تحلیل روی ۳۷۵ پرسشنامه انجام شد. به منظور رعایت اصول اخلاقی پژوهش، ابتدا رضایت شرکت‌کنندگان اخذ شد و به تمامی آنها اطمینان داده شد که اطلاعات به صورت گروهی تحلیل خواهد شد و تمامی اطلاعات فردی نزد پژوهشگر، محرمانه باقی خواهد ماند. به منظور تحلیل داده‌های مطالعه از همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام استفاده شد.

یافته‌ها

در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش شامل میانگین، انحراف معیار، چولگی، و کشیدگی گزارش شده است. با توجه به جدول ۱، قدر مطلق چولگی و کشیدگی برای تمامی متغیرها کمتر از ۲ است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که توزیع متغیرها در این مطالعه نرمال است و می‌توان در بررسی فرضیه‌های پژوهش از آزمون‌های پارامتریک ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه گام به گام استفاده کرد.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش به تفکیک گروه‌ها (تعداد=۳۷۵)

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
والدگری مثبت	۴۵/۷۴	۱۷/۸۱	۰/۲۷	-۱/۰۵
تنبيه بدنی	۳۷/۸۵	۶/۸۹	-۰/۲۱	-۰/۹۲
مشارکت پدر	۲۱/۱۵	۸/۱۳	۰/۰۴	-۱/۳۲
اطلاع	۸/۵۸	۲/۳۵	-۰/۵۹	-۰/۸۴
اقتدار	۱۲/۹۳	۳/۴۵	-۰/۱۹	-۱/۰۹

نظارت ضعیف	۱۲/۵۶	۳/۱۴	۰/۰۵	-۱/۳۴
تیدگی	۲۱۰/۶۷	۲۸/۶۲	۰/۵۶	-۰/۷۹
مدیریت زمان	۲۶/۱۱	۱۰/۹۲	۰/۳۱	-۱/۴۸
حل مسأله	۲۶/۲۵	۹/۶۴	۰/۳۴	-۱/۴۳
مهار خود	۲۵/۱۶	۹/۷۳	۰/۴۶	-۱/۱۰
خودانگیزی	۲۰/۷۰	۸/۲۱	۰/۸۳	-۱/۲۷
خودنظم‌جویی هیجانی	۲۳/۸۷	۷/۸۲	۰/۲۶	-۰/۹۷
نارساکنش‌وری اجرایی	۱۲۲/۱۰	۳۴/۳۹	۰/۱۱	-۱/۳۳
مشکلات درون‌نمود	۳۷/۹۹	۹/۸۲	۰/۱۲	-۱/۳۲
مشکلات برون‌نمود	۴۲/۹۳	۱۱/۴۲	۰/۴۰	-۱/۲۴

برای تعیین رابطه سبک‌های والدگری، تیدگی والدین، و نارسایی در کنش‌های اجرایی کودکان در مشکلات درون‌نمود و برون‌نمود از همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱. والدگری مثبت														
۲. تنبیه بدنی	-۰/۵۶ ^{***}													
۳. مشارکت پدر	۰/۸۳ ^{***}	-۰/۵۳ ^{***}												
۴. اطلاع	۰/۴۴ ^{***}	-۰/۲۵ ^{***}	۰/۲۳ ^{***}											
۵. اقتدار	-۰/۸۸ ^{***}	۰/۷۰ ^{***}	-۰/۸۲ ^{***}	-۰/۴۹ ^{***}										
۶. نظارت ضعیف	-۰/۶۹ ^{***}	۰/۶۵ ^{***}	-۰/۶۵ ^{***}	-۰/۳۶ ^{***}	۰/۷۸ ^{***}									
۷. تیدگی	-۰/۶۸ ^{***}	۰/۷۱ ^{***}	-۰/۶۵ ^{***}	-۰/۳۵ ^{***}	۰/۷۴ ^{***}	۰/۸۰ ^{***}								
۸. مدیریت زمان	-۰/۲۸ ^{***}	۰/۴۹ ^{***}	-۰/۳۳ ^{***}	-۰/۲۱ ^{***}	۰/۴۱ ^{***}	۰/۷۱ ^{***}	۰/۵۷ ^{***}							
۹. حل مسأله	-۰/۵۲ ^{***}	۰/۵۲ ^{***}	-۰/۵۶ ^{***}	-۰/۱۹ ^{***}	۰/۵۲ ^{***}	۰/۷۲ ^{***}	۰/۷۸ ^{***}	۰/۶۲ ^{***}						
۱۰. مهار خود	-۰/۲۸ ^{***}	۰/۳۹ ^{***}	-۰/۳۱ ^{***}	-۰/۲۲ ^{***}	۰/۳۶ ^{***}	۰/۶۱ ^{***}	۰/۴۳ ^{***}	۰/۶۷ ^{***}	۰/۵۸ ^{***}					
۱۱. خودانگیزی	-۰/۳۰ ^{***}	۰/۴۰ ^{***}	-۰/۴۱ ^{***}	-۰/۲۸ ^{***}	۰/۴۵ ^{***}	۰/۶۱ ^{***}	۰/۵۵ ^{***}	۰/۷۰ ^{***}	۰/۵۱ ^{***}	۰/۳۱ ^{***}				
۱۲. خودنظم‌جویی هیجانی	-۰/۱۸ ^{***}	۰/۲۷ ^{***}	-۰/۲۷ ^{***}	-۰/۰۷ ^{***}	۰/۲۹ ^{***}	۰/۲۸ ^{***}	۰/۲۸ ^{***}	۰/۳۴ ^{***}	۰/۲۱ ^{***}	۰/۱۹ ^{***}	۰/۲۷ ^{***}			
۱۳. نارسایی در کنش اجرایی	-۰/۴۳ ^{***}	۰/۵۷ ^{***}	-۰/۵۱ ^{***}	-۰/۲۶ ^{***}	۰/۵۵ ^{***}	۰/۸۱ ^{***}	۰/۷۲ ^{***}	۰/۹۲ ^{***}	۰/۸۱ ^{***}	۰/۷۱ ^{***}	۰/۷۵ ^{***}	۰/۴۴ ^{***}		
۱۴. مشکلات درون‌نمود	-۰/۷۰ ^{***}	۰/۷۰ ^{***}	-۰/۸۱ ^{***}	-۰/۳۱ ^{***}	۰/۷۵ ^{***}	۰/۸۰ ^{***}	۰/۷۷ ^{***}	۰/۷۰ ^{***}	۰/۷۷ ^{***}	۰/۵۶ ^{***}	۰/۶۴ ^{***}	۰/۳۹ ^{***}	۰/۸۴ ^{***}	
۱۵. مشکلات برون‌نمود	-۰/۷۶ ^{***}	۰/۶۶ ^{***}	-۰/۸۴ ^{***}	-۰/۳۶ ^{***}	۰/۷۸ ^{***}	۰/۸۴ ^{***}	۰/۷۱ ^{***}	۰/۶۵ ^{***}	۰/۷۲ ^{***}	۰/۶۰ ^{***}	۰/۶۰ ^{***}	۰/۳۰ ^{***}	۰/۷۹ ^{***}	۰/۹۵ ^{***}

درون‌نمود با تنبیه بدنی (۰/۷۰)، اقتدار (۰/۷۵)، نظارت ضعیف (۰/۸۰)، تیدگی (۰/۷۷)، مدیریت زمان (۰/۷۰)، حل مسئله (۰/۷۷)، مهار خود (۰/۷۷)، خودانگیزی (۰/۶۴)، خودنظم‌جویی هیجانی (۰/۳۹) و

با توجه به نتایج جدول ۲، رابطه مشکلات درون‌نمود با والدگری مثبت (۰/۷۰-)، مشارکت پدر (۰/۸۱-)، و اطلاع (۰/۳۱-) به دست آمد که نشان از همبستگی منفی معنادار است. همچنین رابطه مشکلات

نارساکنش‌وری اجرایی (۰/۸۴) مثبت معنادار در سطح ۰/۰۱ به دست آمد. نتایج در سطح مشکلات برون‌نمود نشان داد که رابطه این مشکلات با والدگری مثبت (۰/۷۶-)، مشارکت پدر (۰/۸۴-)، و اطلاع (۰/۳۶-)، رابطه منفی معنادار است و رابطه مشکلات برون‌نمود با تنبیه (۰/۶۶)، اقتدار (۰/۷۸)، نظارت ضعیف (۰/۸۴)، تنیدگی (۰/۷۱)، مدیریت زمان (۰/۶۵)، حل مسئله (۰/۷۲)، مهار خود (۰/۶۰)، خودانگیزی

(۰/۶۰)، خودنظم‌جویی هیجانی (۰/۳۹) و نارساکنش‌وری اجرایی (۰/۷۹) رابطه مثبت در سطح ۰/۰۱ به دست آمد. در جدول‌های ۳ و ۴، نتایج رگرسیون گام به گام مشکلات درون‌نمود و برون‌نمود بر اساس سبک‌های والدگری، تنیدگی والدین، و کنش‌های اجرایی کودکان را نشان می‌دهد.

جدول ۳: خلاصه مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون پیش‌بینی مشکلات درون‌نمود کودکان بر اساس متغیرهای پیش‌بین

گام	مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	آماره F	p	R	R ²	ΔR ²
۱	رگرسیون	۲۵۱۸۴/۸۶	۱	۲۵۱۸۴/۸۶	۸۶۶/۱۲	۰/۰۰۱	۰/۸۳۶	۰/۶۹۹	۰/۶۹۹
	باقیمانده	۱۰۸۴۶/۰۸	۳۷۳	۲۹/۰۸					
۲	رگرسیون	۳۲۴۴۸/۰۲	۲	۱۶۲۲۴/۰۱	۱۶۸۴/۴۸	۰/۰۰۱	۰/۹۴۹	۰/۹۰۱	۰/۲۰۲
	باقیمانده	۳۵۸۲/۹۱	۳۷۲	۹/۶۳					
۳	رگرسیون	۳۳۰۷۳/۶۶	۳	۱۱۰۲۴/۵۵	۱۳۸۳/۰۷	۰/۰۰۱	۰/۹۵۸	۰/۹۱۸	۰/۰۱۷
	باقیمانده	۲۹۵۷/۲۷	۳۷۱	۷/۹۷					
۴	رگرسیون	۳۳۲۰۳/۷۰	۴	۸۳۰۰/۹۲	۱۰۸۶/۳۴	۰/۰۰۱	۰/۹۶۰	۰/۹۲۲	۰/۰۰۴
	باقیمانده	۲۸۲۷/۲۴	۳۷۰	۷/۶۴					
۵	رگرسیون	۳۳۳۸۰/۲۸	۵	۶۶۷۶/۰۶	۹۲۹/۳۸	۰/۰۰۱	۰/۹۶۳	۰/۹۲۶	۰/۰۰۵
	باقیمانده	۲۶۵۰/۶۶	۳۶۹	۷/۱۸					
۶	رگرسیون	۳۳۴۴۶/۷۷	۶	۵۵۸۰/۸۰	۸۰۶/۶۰	۰/۰۰۱	۰/۹۶۴	۰/۹۲۹	۰/۰۰۳
	باقیمانده	۲۵۴۶/۱۶	۳۶۸	۶/۹۲					
۷	رگرسیون	۳۳۵۱۶/۴۶	۷	۴۷۸۸/۰۷	۶۹۸/۸۴	۰/۰۰۱	۰/۹۶۴	۰/۹۳۰	۰/۰۰۱
	باقیمانده	۲۵۱۴/۴۸	۳۶۷	۶/۸۵					

گام ۱: کنش اجرایی

گام ۲: کنش اجرایی، مشارکت پدر

گام ۳: کنش اجرایی، مشارکت پدر، تنبیه بدنی

گام ۴: کنش اجرایی، مشارکت پدر، تنبیه بدنی، اقتدار

گام ۵: کنش اجرایی، مشارکت پدر، تنبیه بدنی، اقتدار، اطلاع

گام ۶: کنش اجرایی، مشارکت پدر، تنبیه بدنی، اقتدار، اطلاع، والدگری مثبت

گام ۷: کنش اجرایی، مشارکت پدر، تنبیه بدنی، اقتدار، اطلاع، والدگری مثبت، نظارت ضعیف

بر اساس نتایج جدول ۳، می‌توان نتیجه گرفت در تبیین مشکلات درون‌نمود کودکان، مجموع متغیرهای پیش‌بین ۹۳ درصد از متغیر ملاک را پیش‌بینی کردند. کنش اجرایی ۷۰ درصد، مشارکت ۲۰ درصد، تنبیه بدنی حدود ۲ درصد و اقتدار، اطلاع، والدگری مثبت، و نظارت ضعیف کمتر از ۱ درصد از تغییرات مربوط به مشکلات درون‌نمود کودکان را

پیش‌بینی کردند. میزان F مشاهده شده برای متغیرهای پیش‌بین در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است که این یافته نشان می‌دهد که هفت متغیر مذکور به صورت معناداری مشکلات درون‌نمود کودکان را پیش‌بینی می‌کنند. در جدول ۴ خلاصه مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون مشکلات برون‌نمود کودکان بر متغیرهای پیش‌بین

جدول ۴: خلاصه مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون پیش‌بینی مشکلات برون‌نمود کودکان بر اساس متغیرهای پیش‌بین

گام	مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	آماره F	p	R	R ²	ΔR^2
۱	رگرسیون	۳۴۷۰۳/۱۱	۱	۳۴۷۰۳/۱۱	۹۲۱/۸۱	۰/۰۰۱	۰/۸۴۴	۰/۷۱۲	۰/۷۱۲
	باقیمانده	۱۴۰۴۲/۲۲	۳۷۳	۳۷/۶۴۷					
۲	رگرسیون	۴۳۴۲۴/۵۵	۲	۲۱۷۱۲/۲۸	۱۵۱۸	۰/۰۰۱	۰/۹۴۴	۰/۸۹۱	۰/۱۷۹
	باقیمانده	۵۳۲۰/۷۸	۳۷۲	۱۴/۳۰					
۳	رگرسیون	۴۳۹۵۶/۱۱	۳	۱۴۶۵۲/۰۴	۱۱۳۵/۰۳	۰/۰۰۱	۰/۹۵۰	۰/۹۰۲	۰/۰۱۱
	باقیمانده	۴۷۸۹/۲۲	۳۷۱	۱۲/۹۱					
۴	رگرسیون	۴۴۳۳۱/۳۱	۴	۱۱۰۸۲/۸۳	۹۲۹/۰۱	۰/۰۰۱	۰/۹۵۴	۰/۹۰۹	۰/۰۰۸
	باقیمانده	۴۴۱۴/۰۲	۳۷۰	۱۱/۹۳					
۵	رگرسیون	۴۴۷۹۳/۵۹	۵	۸۹۵۸/۷۲	۸۳۶/۵۴	۰/۰۰۱	۰/۹۵۹	۰/۹۱۹	۰/۰۰۹
	باقیمانده	۳۹۵۱/۷۴	۳۶۹	۱۰/۷۱					
۶	رگرسیون	۴۵۱۱۱/۹۷	۶	۷۵۱۸/۶۶	۷۶۱/۵۲	۰/۰۰۱	۰/۹۶۲	۰/۹۲۵	۰/۰۰۷
	باقیمانده	۳۶۳۳/۷۰	۳۶۸	۹/۸۷					
۷	رگرسیون	۴۵۲۸۴/۸۸	۷	۶۴۶۹/۲۷	۶۸۶/۱۰	۰/۰۰۱	۰/۹۶۴	۰/۹۲۹	۰/۰۰۴
	باقیمانده	۳۴۶۰/۴۵	۳۶۷	۹/۴۳					
۸	رگرسیون	۴۵۵۶۲/۱۲	۸	۵۶۹۵/۲۷	۶۵۴/۸۳	۰/۰۰۱	۰/۹۶۷	۰/۹۳۵	۰/۰۰۶
	باقیمانده	۳۱۸۳/۲۲	۳۶۶	۸/۷۰					
۹	رگرسیون	۴۶۰۰۰/۸۰	۹	۵۱۱۱/۲۰	۶۷۹/۷۵	۰/۰۰۱	۰/۹۷۱	۰/۹۴۴	۰/۰۰۹
	باقیمانده	۲۷۴۴/۵۳	۳۶۵	۷/۵۲					

گام ۱: مشارکت پدر

گام ۲: مشارکت پدر، کنش اجرایی

گام ۳: مشارکت پدر، کنش اجرایی، والد‌گری مثبت

گام ۴: مشارکت پدر، کنش اجرایی، والد‌گری مثبت، تنیدگی

گام ۵: مشارکت پدر، کنش اجرایی، والد‌گری مثبت، تنیدگی، تنبیه بدنی

گام ۶: مشارکت پدر، کنش اجرایی، والد‌گری مثبت، تنیدگی، تنبیه بدنی، خودنظم‌جویی هیجانی

گام ۷: مشارکت پدر، کنش اجرایی، والد‌گری مثبت، تنیدگی، تنبیه بدنی، خودنظم‌جویی هیجانی، اطلاع

گام ۸: مشارکت پدر، کنش اجرایی، والد‌گری مثبت، تنیدگی، تنبیه بدنی، خودنظم‌جویی هیجانی، اطلاع، اقتدار

گام ۹: مشارکت پدر، کنش اجرایی، والد‌گری مثبت، تنیدگی، تنبیه بدنی، خودنظم‌جویی هیجانی، اطلاع، اقتدار، نظارت ضعیف

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با هدف نقش سبک‌های والد‌گری، تنیدگی والدین، و نارسایی در کنش‌های اجرایی کودکان در پیش‌بینی مشکلات درون‌نمود و برون‌نمود کودکان انجام شد. نتایج نشان داد که بین سبک‌های والد‌گری و مشکلات درون‌نمود کودکان، همبستگی معناداری وجود دارد. نتایج این پژوهش با یافته‌های مطالعات آنولا، استاتین و نورمی (۸) و گودمن و همکاران (۱۰) همسو است. در تبیین این نتیجه می‌توان مطرح کرد والدینی که در ارتباطات خود متزلزل، فاقد اطمینان خاطر و بی‌ثبات هستند، در نحوه تربیت فرزندان با یکدیگر توافق ندارند و از

بر اساس جدول ۴ می‌توان نتیجه گرفت در تبیین مشکلات برون‌نمود کودکان، متغیرهای پیش‌بین در مجموع ۹۴ درصد از متغیر ملاک را پیش‌بینی کردند. متغیرهای مشارکت پدر ۷۱ درصد، کنش اجرایی ۱۸ درصد، والد‌گری مثبت ۱ درصد و تنیدگی، تنبیه بدنی، خودنظم‌جویی هیجانی، اطلاع، اقتدار، و نظارت ضعیف، کمتر از ۱ درصد از تغییرات مشکلات برون‌نمود کودکان را پیش‌بینی کردند. میزان F مشاهده شده برای متغیرهای پیش‌بین در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است که این یافته نشان می‌دهد که ۹ متغیر مذکور به صورت معناداری مشکلات برون‌نمود کودکان را پیش‌بینی می‌کنند.

سبک والدگری مبتنی بر طرد حمایت افراطی با اغماض یا تسلط، شیوه انضباطی دوگانه، سستی موازین اخلاقی، کمال‌جویی‌های غیرمنطقی، و عصبانیت و بی‌ثباتی عاطفی استفاده می‌کنند. آنها همچنین رفتارهای نوروتیک را در کودکان تثبیت می‌کنند و سبب می‌شوند که کودکان از نظر هیجانی و عاطفی، نیازمندتر شده و در چنین شرایطی از حس اعتماد و امنیت که اساس تحول هیجانی سالم محسوب می‌شود، ناکام بمانند (۲۸). بنابراین، می‌توان استنباط کرد که چگونگی تعامل والد-فرزند با مشکلات رفتاری کودک، رابطه متقابل دارد و به صورت یک چرخه عمل می‌کند؛ بدین صورت که رفتارهای پرخاشگرانه و قانون‌شکنانه کودک، والدین را وادار به استفاده از روش‌های تنبیهی بیشتری می‌کند که این به نوبه خود برخوردها و تعارضاتی را در رابطه والد-کودک به وجود آورده و مانع از بهبود مشکلات رفتاری کودک می‌شود. در نتیجه، عامل تعارض در رابطه والد-کودک می‌تواند مشکلات درون‌نمود را ایجاد کند.

نتایج همچنین نشان داد که بین سبک‌های والدگری و مشکلات برون‌نمود کودکان همبستگی معناداری وجود دارد. نتایج این پژوهش با یافته‌های مطالعات آنولا و همکاران (۸) و گودمن و همکاران (۱۰) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت کیفیت تعامل والد-فرزند در چگونگی بررسی و تفسیر کودک از جهان اطراف خود تأثیرگذار است. کودک بر اساس تجربه‌های اولیه در برخورد با دیگران، نیت آنها را تفسیر می‌کند؛ بدین گونه که وقتی کودکی تجربه‌های اولیه خوبی با والدین نداشته باشد، در برخورد با دیگران به ویژه اگر رفتارشان مبهم باشد، گرایش به تفسیر اشتباه رفتار دارد و واکنش خصمانه نشان می‌دهد (۱۱).

یافته دیگر مطالعه نشان داد که بین تنیدگی والدین و مشکلات درون‌نمود کودکان، همبستگی مثبت معناداری وجود دارد؛ به عبارت دیگر با افزایش تنیدگی والدین، میزان مشکلات درون‌نمود کودکان افزایش می‌یابد که با نتایج پژوهش‌های سپا و همکاران (۱۷) و مک کلر و همکاران (۱۸) همسو است. سطوح بالای تنیدگی والدین باعث می‌شود که آنها گرایش بیشتری به استفاده از شیوه‌های انعطاف‌ناپذیر و پرخاشگرانه والدگری داشته باشند و کمتر از برنامه‌های درمانی و خدمات ارائه شده برای کودکان‌شان بهره‌برند، و از این رو در

تصمیم‌گیری درباره مناسب‌ترین راهبردهای درمانی برای کودک، شکست بخورند. این موضوع، تأثیرات منفی بر تحول کودک گذاشته و رفتارهای مخرب بیشتری را منجر می‌شود. این فزون‌تندگی والدین با ایجاد اضطراب و افسردگی، به نظام تربیتی صدمه زده و به انتظارهای غیرواقع‌نگر از کودک منجر می‌شود (۱۶).

همچنین نتایج این مطالعه نشان داد که بین تنیدگی والدین و مشکلات برون‌نمود، همبستگی مثبت معناداری وجود دارد که با نتایج پژوهش‌های سپا و همکاران (۱۷) و مک کلر و همکاران (۱۸) همسو است. الگویی که والدین به خصوص مادران از ابراز هیجانی مناسب و سازش‌یافته (آزادانه نشان دادن دامنه گسترده‌ای از هیجان‌ها) به فرزندان ارائه می‌دهند، به کودکان در شناسایی پردازش علائم هیجانی، ارتباط هیجان‌ها و موقعیت‌ها، و تولید پاسخ‌های سازش‌یافته کمک می‌کند. کودکانی که در خانواده‌های پرتنش و از لحاظ هیجانی بی‌ثبات زندگی می‌کنند، در تنظیم و مدیریت هیجان‌های خود دارای مشکلات عمده‌ای هستند (۲۰).

یافته‌های این مطالعه نشان دادند که بین نارساکنش‌وری اجرایی و مشکلات درون‌نمود کودکان، همبستگی مثبت معناداری وجود دارد. همان گونه که مطرح شد کنش‌های اجرایی، فرایندهای شناختی سطح بالایی هستند که مسئول هماهنگی، انسجام، و سازماندهی سایر فرایندهای شناختی مغز هستند (۲۳). هنگامی که کودکان تحول می‌یابند به دلیل افزایش یافتن توانایی آنها برای مدیریت رفتار خود، نقش کنش‌های اجرایی نیز به موازات آن افزایش می‌یابد. در نظریه بارکلی، خودمهارگری و کنش‌های اجرایی، توانایی‌های انسانی است که با هم تعامل دارند. در این نظریه، کنش‌های اجرایی خودنظم‌ده هستند و بازداری رفتاری، ضروری‌ترین مؤلفه برای کارکرد این کنش‌ها محسوب می‌شود. دلیل این موضوع آن است که بازداری رفتاری، فراهم‌کننده درنگ در پاسخ‌گویی خودآیند است و این درنگ به کنش‌های اجرایی اجازه می‌دهد تا رفتار را در جهت هدف هدایت کنند (۲۴).

این پژوهش نشان داد که بین نارساکنش‌وری اجرایی و مشکلات برون‌نمود کودکان، همبستگی مثبت معناداری وجود دارد. کنش‌های اجرایی جزء توانایی‌هایی است که کودکان برای یادگیری‌های

مدرسه‌ای، انجام فعالیت‌های روزانه، و تکالیف مدرسه به آنها نیازمندند. مطالعه زیراس و جانسن نشان داد که نارسایی در کنش‌های اجرایی تا حدود زیادی پیش‌بینی‌کننده عملکرد تحصیلی و رفتاری دانش‌آموزان است (۲۶). با استناد به این مطالب می‌توان به اهمیت کنش‌های اجرایی در گستره زندگی و نقش آنها در تبیین فرایندهای بهنجار و مرضی پی برد.

سرانجام یافته دیگر این پژوهش نشان داد که مشکلات درون‌نمود و برون‌نمود کودکان را می‌توان از طریق سبک‌های والد‌گری، تنیدگی والدین، و کنش‌های اجرایی پیش‌بینی کرد. آنچه مسلم است مشکلات رفتاری کودکان، اختلالات شایع و ناتوان‌کننده‌ای هستند که برای معلمان، خانواده، و کودکان مشکلات بسیاری را ایجاد می‌کنند. خانواده، بافت اصلی تحول کودک است و عوامل خانوادگی، ویژگی‌های فردی کودک، حوادث زندگی، روزسازش‌نیافتگی‌های تحولی، و آسیب‌های روان‌شناختی را پیش‌بینی می‌کند. زمانی که والدین مهارگری بیشتری نسبت به موقعیت داشته باشند می‌توانند مدیریت مؤثرتری در ایفای نقش والد‌گری خویش داشته باشند و بدون اینکه مجبور باشند در مورد مقررات خود با فرزندان‌شان مجادله کنند، می‌توانند محدودیت‌های مؤثری برای آنها وضع کنند. در این شرایط ضمن اینکه قدرت به والدین بر می‌گردد، فرزندان نیز احساس درک شدن و امنیت بیشتری می‌کنند و محدودیت‌های وضع شده را می‌پذیرند (۹). در مجموع با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان نتیجه گرفت که در سبب‌شناسی مشکلات درون‌نمود و برون‌نمود کودکان، هم باید به متغیرهای خانوادگی مانند سبک‌های والد‌گری و تنیدگی والدین پرداخته شده است و هم به متغیرهای فردی مانند کنش‌های اجرایی، توجه بیشتری شود و نقش همزمان متغیرهای فردی و خانوادگی بر اختلال‌های برون‌نمود و درون‌نمود کودکان مورد بررسی بیشتر قرار گیرد.

این مطالعه همچون سایر پژوهش‌های انجام شده در حیطه علوم انسانی، دارای محدودیت‌هایی بود. نمونه پژوهش حاضر، فقط شامل

دانش‌آموزان پسر مقطع ابتدایی بود و همچنین در این مطالعه جهت جمع‌آوری اطلاعات، فقط از پرسشنامه استفاده شد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، گروه‌های سنی دیگر و نیز هر دو جنس دختر و پسر مورد بررسی قرار گیرند تا تعمیم نتایج به گروه‌های سنی دیگر و نیز امکان مقایسه دو جنس، فراهم شود. همچنین از سایر ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات مانند مشاهده و مصاحبه برای کسب جامع‌تر و گسترده‌تر اطلاعات در مورد متغیرهای مورد مطالعه، استفاده شود. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش، پیشنهاد می‌شود جلسات و دوره‌های آموزشی کاربردی از طرف مهدکودک‌ها، مراکز پیش‌دبستانی، و مدارس درباره سبک‌های والد‌گری برگزار شود تا آگاهی والدین درباره این شیوه‌ها و تأثیر آن بر اختلالات رفتاری فرزندان، افزایش یابد. همچنین برگزاری کلاس‌های آموزشی برای مربیان و معلمان در جهت شناسایی به موقع اختلالات رفتاری کودکان و در صورت لزوم مشاوره با والدین می‌تواند بسیار مفید باشد. همچنین یافته‌های مطالعه حاضر می‌تواند به روان‌شناسان و مشاوران در تدوین و اجرای مداخله پیشگیرانه و درمانی مؤثر در زمینه اختلالات رفتاری کودکان با تمرکز بر متغیرهای مطرح شده در این پژوهش، کمک قابل توجهی کند.

تشکر و قدردانی: این پژوهش برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم سیده فائزه خوشکردار در رشته روان‌شناسی عمومی دانشگاه پیام نور واحد آستانه اشرفیه با راهنمایی دکتر مجید برادران و مشاوره دکتر رنجبر نوشری با کد ۵۲۰۳۸ در سامانه پژوهشی است که با مجوز صادره از اداره آموزش و پرورش شهرستان رشت به شماره ۳۷۰۲/۳۸۴۸۸/۹۳۷ اجرا شد. بدین‌وسیله از استاد راهنما و کارکنان آموزش و پرورش ناحیه ۲ رشت، مدیران و معلمان دلسوز، و تمامی افراد نمونه که در اجرای این پژوهش مشارکت داشتند، تشکر و قدردانی می‌شود.

تضاد منافع: این پژوهش برای نویسندگان هیچ گونه تضاد منافع به دنبال نداشته است.

References

- Bornstein MH, Britto PR, Nonoyama-Tarumi Y, Ota Y, Petrovic O, Putnick DL. Child development in developing countries: introduction and methods. *Child Dev.* 2012; 83(1): 16-31. [\[Link\]](#)
- Crawford NA, Schrock M, Woodruff-Borden J. Child Internalizing Symptoms: Contributions of Child Temperament, Maternal Negative Affect, and Family Functioning. *Child Psychiatry Hum Dev.* 2011; 42(1): 53-64. [\[Link\]](#)
- Kessler RC, Berglund P, Demler O, Jin R, Merikangas KR, Walters EE. Lifetime prevalence and age-of-onset distributions of DSM-IV disorders in the national comorbidity survey replication. *Arch Gen Psychiatry.* 2005; 62(6): 593-602. [\[Link\]](#)
- Ghobari-Bonab B, Parand A, Hossein Khanzadeh Firoozjah A, Movallali G, Nemati S. Prevalence of Children with Behavioral Disorders in Primary Schools in Tehran. *JOEC.* 2009; 9(3): 223-238. [Persian]. [\[Link\]](#)
- Khoddam H, Medanloo M, Ziaie T, Keshtkar AA. Behavioral disorders and some related factors in school-age children in Gorgan. *Nursing Research.* 2008; 4(14): 29-37. [Persian]. [\[Link\]](#)
- Carpenter AL, Puliafico AC, Kurtz MS, Pincus DB, Comer JS. Extending Parent-Child Interaction Therapy for Early Childhood Internalizing Problems: New Advances for an Overlooked Population. *Clin Child and Fam Psychol Rev.* 2014; 17(4): 340-356. [\[Link\]](#)
- Bagheri Sheykhangafshe F, Shabahang R, Abolghasemi A. Prediction of the food neophobia by dimensions of personality and parenting styles. *Quarterly Journal of Child Mental Health.* 2018; 5(2): 25-35. [Persian]. [\[Link\]](#)
- Aunola K, Stattin H, Nurmi J. Parenting styles and adolescents, achievement strategies. *J Adolesc.* 2000; 23(2): 205-222. [\[Link\]](#)
- Matejevic M, Jovanovic D, Ilic M. Patterns of Family Functioning and Parenting Style of Adolescents with Depressive Reactions. *Soc Behav Sci.* 2015; 185: 234-239. [\[Link\]](#)
- Goodman SH, Rouse MH, Connell AM, Broth MR, Hall CM, Heyward D. Maternal depression and child psychopathology: A meta-analytic review. *Clin Child Fam Psychol Rev.* 2011; 14(1): 1-27. [\[Link\]](#)
- Murray KW, Dwyer KM, Rubin KH, Knighton-Wisor S, Booth-LaForce C. Parent-child relationships, parental psychological control, and aggression: maternal and paternal relationships. *J Youth Adolesc.* 2014; 43(8): 1361-73. [\[Link\]](#)
- Zakirova VG, Gaysina GI, Raykova E. Professional Support for Families in Difficult Life Situations. *International J Env Scie Ed.* 2016; 11(5): 633-639. [\[Link\]](#)
- Rankin Williams L, Degnan K, Perez-Edgar K.E. Henderson H.A, Rubin K.H, Pine D.S, Steinberg L, Fox NA. Impact of Behavioral Inhibition and Parenting Style on Internalizing and Externalizing Problems from Early Childhood through Adolescence. *J Abnorm Child Psychol.* 2009; 37(8): 1063-1075. [\[Link\]](#)
- Rollè L, Prino L.E, Sechi C, Vismara L, Neri E, Polizzi C, ... Brustia P. Parenting stress, mental health, dyadic adjustment: A structure equation model. *Front Psychol.* 2017; 8: 839-845. [\[Link\]](#)
- Teymouri S, Ataeifar R. Relationship between parental stress and children's affective and behavioral disorders. *Journal of Clinical Psychology Andishe va Raftar.* 2010; 4(16): 17-26. [Persian]. [\[Link\]](#)
- Crawford AM, Manassis K. Familial predictors of treatment outcome in childhood anxiety disorders. *J Am Acad Child Adoles Psych.* 2001; 40(10): 1182-1189. [\[Link\]](#)
- Sepa A, Frodi A, Ludvigsson J. Could parental stress and lack of support/confidence function as mediating mechanisms between certain environmental factors and the development of autoimmunity in children? A study within ABIS. *Annals of the New York Academy of Science.* 2002; 958: 431-435. [\[Link\]](#)
- Mackler JS, Kelleher R, Shanahan L, Calkins SD, Susan P, Keane SP, O'Brien M. Parenting Stress, Parental Reactions, and Externalizing Behavior From Ages 4 to 10. *J Marriage Fam.* 2016; 77(2): 388-406. [\[Link\]](#)
- Khaleque A, Rohner RP. Perceived parental acceptance-rejection and psychological adjustment: A meta-analysis of cross-cultural and intercultural studies. *J Marriage Fam.* 2002; 64(1): 54-64. [\[Link\]](#)
- Putnick DL, Bornstein MH, Hendricks C, Painter KM, Suwalsky JTD, Collins WA. Stability, continuity, and similarity of parenting stress in European American mothers and fathers across their child's transition to adolescence. *Parent Sci Pract.* 2010; 10: 60-77. [\[Link\]](#)
- Tottenham N, Hare TA, Casey BJ. Behavioral assessment of emotion discrimination, emotion regulation, and cognitive control in childhood, adolescence, and adulthood. *Front Psychol.* 2011; 2: 1-9. [\[Link\]](#)

22. Brown TE. Executive Functions and Attention Deficit Hyperactivity Disorder: Implications of two conflicting views. *International J Disability, Dev Ed*. 2006; 53(1): 35-46. [\[Link\]](#)
23. Kooij SJJ, Huss M, Asherson P, Akehurst RRR, Beusterien K, French A, Sasané R, Hodgkins P. Distinguishing Comorbidity and Successful Management of Adult ADHD. *J Atten Disord*. 2012; 16(5): 3-19. [\[Link\]](#)
24. Barkley RA. Behavioral inhibition, sustained attention, and executive functions: Constructing a unifying theory of ADHD. *Psychol Bull*. 1997; 121(1): 65-94. [\[Link\]](#)
25. Skirrow C, Asherson P. Emotional lability, comorbidity and impairment in adults with attention-deficit hyperactivity disorder. *J Affect Disord*. 2013; 147(1): 80-86. [\[Link\]](#)
26. Ziereis S, Jansen P. Effects of physical activity on executive function and motor performance in children with ADHD. *Res Dev Disabi*. 2015; 38: 181-191. [\[Link\]](#)
27. Dadds MR, Maujean A, Fraser J A. Parenting and conduct problems in children: Australian data and psychometric properties of the Alabama Parenting Questionnaire. *Australian Psychologist*. 2003; 38(3): 238-241. [\[Link\]](#)
28. Samani S. Psychometric properties of the child from of Alabama Parenting Questionnaire (Persian version). *Journal of Psychological Models and Methods*. 2011; 2(5): 17-29. [Persian]. [\[Link\]](#)
29. Dadsetan P, Ahmadi Azghandi A, Hassan Abadi H. Parental stress and general health: research on the relationship between parenting stress of mothers with general health nurses and housewives with young children. *Developmental Psychology Journal: Iranian psychologists*. 2006; 2(7): 184-171. [Persian]. [\[Link\]](#)
30. Knouse LE, Barkley RA, Murphy KR. Does executive functioning (EF) predict depression in clinic-referred adults? EF tests vs. rating scales. *J Affect Disord*. 2013; 145(2): 270-275. [\[Link\]](#)
31. Mashhadi A, Mirdoraghi F, Hosainzadeh-Maleki Z, Hasani J, Hamzeloo M. Factor Structure, Reliability and Validity of Persian Version of Barkley Deficits in Executive Functioning Scale(BDEFS)- Adult Version. *Journal of Clinical Psychology*. 2015; 7(1): 51-62. [Persian]. [\[Link\]](#)
32. McCarty CA, Lau AS, Valeri SM, Weisz JR. Parent-Child interactions in relation to critical and emotionally overinvolved Expressed Emotion (EE): is EE a proxy for behavior? *J Abnorm Child Psychol*. 2004; 32: 83-93. [\[Link\]](#)
33. Nakamura BJ, Ebesutani C, Bernstein A, Chorpita BF. A psychometric analysis of the Child Behavior Checklist DSM-oriented Scales. *J Psychopathol Behav Assess*. 2009; 31(3): 178-189. [\[Link\]](#)
34. Minaei A. Adaptation and Standardization of the child behavior checklist Akhen bakh, self-assessment questionnaire and teacher report form. *Research in exceptional children*. 2006; 6(1): 529-558. [Persian]. [\[Link\]](#)